



ایالات متحده آمریکا در طول سال‌های پس از جنگ دوم جهانی، همواره تلاش کرده منافع خود را بدون توجه به ارزش‌های جهانی و حقوق بین‌الملل به اجرا گذارد. بویژه رفتارهای این کشور پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به سوی تجاوز به حقوق بنیادین ملت‌ها و نقض گسترده حاکمیت ملی کشورها سوق یافت. نقض حاکمیت ملی و مداخله در امور داخلی دیگر کشورها مانند افغانستان، عراق، پاکستان و… به بهانه مبارزه با تروریسم، نقض حقوق بشر در حمله به شهروندان در پاکستان، یمن و فلسطین، نقض کنوانسیون‌های جهانی در رفتار با اسیران و زندانیان در گوانتانامو و ابوغریب و… از جمله کارکردهای متضاد با حقوق بین‌الملل در سال‌های اخیر است.

افشاسگری‌های گسترده «ادوارد اسنودن» درباره جاسوسی اژانس امنیت ملی آمریکا، بخشی دیگر از نقض گسترده آزادی‌های اساسی و امنیت عمومی و خصوصی شهروندان دولت‌های گوناگون را آشکار کرده است، لذا بررسی جاسوسی‌های اخیر با مبانی حقوق بین‌الملل نیز می‌تواند موضوع مناسبی جهت تنویر افکار عمومی جهانی تلقی شود؛ چه اینکه با خوانش اصول بنیادین حقوق بین‌الملل آن می‌توان نتیجه گرفت رفتار و کردار ایالات متحده آمریکا با بنیادی‌ترین اصول بشردوستانه حقوق بین‌الملل سازگار نیست.

■ **آزادی‌ها و حقوق بنیادین بشر در حقوق بین‌الملل**

الف- **حقوق بشر عام**

اصول بنیادین حقوق بین‌الملل، هنجارهایی جهانی هستند که روابط میان کشورها را در روابط بین‌المللی تنظیم می‌کنند. مراد از این اصول بنیادین حقوق بین‌الملل، کلی‌ترین هنجارهای حقوق بین‌الملل‌اند که درون‌مایه و محتوای اصلی حقوق بین‌الملل را بازتاب می‌دهند. در این میان می‌توان اصول زیر را به عنوان برخی از قواعد بنیادین حقوق بین‌الملل معرفی کرد: اصل عدم توسل به زور یا تهدید به آن، اصل عدم مداخله در امور داخلی سایر کشورها، اصل حل مسالمت‌آمیز اختلاف‌های بین‌المللی، اصل تمامیت ارضی کشورها، اصل احترام به حقوق بشر و…

در این میان، تحولات گسترده نظام بین‌الملل، گسترش وابستگی‌ها و ارتباطات، افزایش سازمان‌های بین‌المللی، تعاملات فرهنگی، منافع متقابل بشری و مسؤولیت مشترک انسانی باعث تأکید بر حقوق بشر به عنوان یک اصل عام جهانی شده است، لذا نظام جدید و شرایط جامعه بین‌المللی باعث شده روش‌های عملی و مبانی فکری نظام حقوق بشر امروزی پیریزی شود.

بدین ترتیب، مساله نقض حقوق بشر و تجاوز به حقوق و آزادی‌های اساسی افراد بویژه از سوی دولت‌ها و قدرت‌های حاکم و پیدا کردن راحل‌های مؤثر برای جلوگیری از این وضع و تضمین حمایت از حقوق افراد، یکی از نگرانی‌ها و دلمشغولی‌های مهم نظام بین‌الملل امروزی است. بنابراین حقوق بشر به عنوان یک هنجار جهانی در حقوق بین‌الملل، برای همه کشورها و تابعان حقوق بین‌الملل (بدون توجه به اینکه در معاهدات جهانی حقوق بشری عضویت داشته باشند یا خیر) لازم‌الاجرا و غیرقابل تخلف است، لذا حقوق بشردوستانه جزو حقوق بین‌الملل عام بوده و موضوعی است که به کل جامعه بین‌المللی مربوط می‌شود و نمی‌توان به اراده و پذیرش کشور یا کشورهای خاص، استناد کرد.

از منظر تاریخی، در بسیاری از معاهدات صلح جنگ اول جهانی پس از ۱۹۱۹ سیستمی جهت

حفاظت از حقوق اقلیت‌ها مورد پذیرش واقع شد.

با تأسیس جامعه ملل، به حقوق زنان و کودکان توجه شد و نظام قیمومت جامعه ملل نیز به نوعی جزو حقوق بشر محسوب شد. جامعه جهانی پس از جنگ دوم جهانی و تشکیل سازمان ملل متحد، بر اساس منشور، به دستهای از حقوق و آزادی‌ها وصف مقبولیت بین‌المللی بخشید و از همه دولت‌ها با وجود اختلاف در نظام حکومتی و رعایت استقلال آنها می‌خواهد آن حقوق را رعایت کنند و به آنها احترام بگذارند.^(۱)

سازمان ملل از ابتدای تشکیل و شروع به فعالیت، یکی از کارهای عمده خویش را معطوف به این امر و ایجاد راهکارها و مکانیسم‌هایی برای ملزم کردن دولت‌ها به رعایت موازین شناخته‌شده حقوق بشری کرده و در این راستا، از ۲ وسیله مهم استفاده شده است: یکی طرح و تصویب کنوانسیون‌ها و قطعنامه‌ها و ترغیب دولت‌ها به امضا و تصویب آنها تا بدین‌گونه از طریق الزام قراردادی، متعهد به اجرای موازین حقوق بشری شوند و در مراجع بین‌المللی پاسخگویی میزان عمل به این تعهد قراردادی خود باشند و دیگری صیغه قاعده حقوقی یا عرف حقوقی بین‌المللی به برخی مفاهیم و موازین حقوق بشری است؛ به گونه‌ای که برخی از مفاهیم حقوق بشری به عنوان یک عرف مسلم بین‌المللی شناخته شود و تخلف و تجاوز از آن، نقض موازین بین‌المللی محسوب شود و خود این امر، نوعی تضمین برای رعایت آنها از سوی دولت‌ها باشد.

ب - **حقوق بشر در اسناد بین‌المللی**

معاهده و اسناد بین‌المللی اهمیت فوق‌العاده‌ای در بین‌المللی کردن تدریجی حقوق بشر داشته است. مجموعه قوانین بین‌المللی حقوق بشری با اعلام منشور ملل متحد در ژوئن ۱۹۴۵، گام به مرحله جدیدی نهاد و بتدریج، این اسناد و همکاری‌های بین‌المللی برای تحقق حقوق بشر بیشتر مورد توجه قرار گرفت.

منشور ملل متحد: منشور ملل متحد خود یک معاهده جهانی است که پایه و اساس نظام جهانی حقوقی را تشکیل می‌دهد و دارای عالی‌ترین قوت حقوقی است. منشور ملل متحد در مقدمه و در مواد ۱، ۵۵، ۵۶، ۶۲، ۶۸ و ۷۶ به موضوع حقوق بشر توجه کرده است. مقررات حقوق بشر منشور با وجود ابهاماتی که در آنهاست، پیامدهای مهمی را با خود داشته است. از جمله اینکه منشور سازمان ملل، حقوق بشر را بین‌المللی کرد. پذیرفتن منشور از سوی دولت‌ها، الحاق به یک معاهده چندجانبه است که رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی افراد را جزئی از وظایف و تعهدات امضاکنندگان آن می‌داند.

اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸: این اعلامیه از متون بسیار تأثیرگذار بر روند گسترش هنجار حقوق بشر بوده است. اعلامیه جهانی حقوق بشر –که به تعبیری تفسیر اصول منشور ملل متحد است– می‌توان منبع اصلی نظام بین‌المللی حقوق بشر دانست و از همین رو است که تمام اسناد بین‌المللی که به حقوق بشر پرداخته‌اند به نحوی در زمینه اجرای حقوق بشر مرتبط بوده‌اند. این وجود، اعلامیه جهانی حقوق بشر این معنا را به رسمیت می‌شناسد که حقوق و آزادی‌های اعلام شده در آن مطلق نیست (بند دوم ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر). بنابراین به دولت‌ها اجازه می‌دهد قوانینی را تصویب کنند که اجرای این حقوق را محدود کنند؛ مشروط به اینکه هدف قوانین مزبور، صرفاً تأمین شناسایی و احترام به حقوق و آزادی‌های دیگران و رعایت مقتضیات اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی باشد.

آیا اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها شامل آمریکا نمی‌شود؟

جاسوسی بشر دوستانه با رعایت حقوق بین‌الملل!

- یوسف شفیعی* ■

نشدن قانون در امور کیفری، داشتن شخصیت حقوقی و حق آزادی عقیده و مذهب نیست.

■ **جاسوسی و مداخله در امور کشورها در حقوق بین‌الملل**

جاسوسی در روابط میان کشورها، به عنوان ابزاری جهت تأمین منافع ملی یک کشور علیه دیگری استفاده می‌شود؛ به گونه‌ای که حتی می‌توان گفت به عنوان یک روش، بویژه در سال‌های جنگ دوم جهانی و جنگ سرد، به کرات مورد استفاده قرار گرفته است. جاسوسی به اقدامی گفته می‌شود که از طریق آن، اطلاعات امنیتی بدون اجازه از دارنده اطلاعات، برای منافع شخصی، اقتصادی، سیاسی یا نظامی دشمنان اخذ می‌شود. البته جاسوسی نیز در مسیر گسترش تکنولوژی‌ها، دارای ابعاد و گونه‌های متفاوتی بوده است. جنجال اخیر بر سر جاسوسی آمریکا از شهروندان کشورهای جهان و همچنین از برخی سران کشورهای غربی، نشان‌دهنده پیشرفت جدی در بهره‌گیری از ابزارهای مخابراتی و ارتباطی در حوزه جاسوسی است. از سوی دیگر، جاسوسی و شنود آمریکا از سران اروپا مسبوق به سابقه نیست. به عبارت دیگر، پدیده‌ای جدید در روابط بین‌الملل محسوب می‌شود اما درباره جاسوسی در حقوق بین‌الملل، به شیوه‌های گوناگون می‌توان به بحث مبادرت کرد. طبق بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد، تهدید یا توسل به زور علیه تمامیت و استقلال سیاسی کشورها از سوی دولت‌ها ممنوع است اما درباره تهدید یا توسل به زور، ۲ مشکل وجود دارد: اول اینکه آیا توسل به زور لازم است فیزیکی باشد یا توسل به زور غیرنظامی نیز مشمول ممنوعیت این بند می‌شود. هرچند رویکرد غالب در تفسیر این بند مبتنی بر توسل به زور نظامی است (چنان‌که در قطعنامه تعریف تجاوز مجمع عمومی سازمان ملل ۱۹۷۴ چنین آمده است) اما موضع انفرادی برخی کشورها مؤید تفسیری موسع‌تر است. مانند موضع جمهوری اسلامی ایران که سال ۱۹۸۳ با ارائه نامه‌ای به سازمان ملل اعلام کرد هر گونه اقدامی که با هدف حمله نظامی یا برای به خطر انداختن استقلال کشوری انجام شود، «تجاوز» تلقی خواهد شد.

در تحلیلی حقوقی دیگری نیز می‌توان بیان داشت: اصل منع مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر از مهم‌ترین اصول همزیستی بین‌المللی است که در منشور مورد اشاره قرار گرفته و به صورت یک اصل عرفی حقوق بین‌الملل پذیرفته شده است. اصل عدم مداخله در امور داخلی دولت‌ها، به عنوان اصلی بنیادین در حقوق بین‌الملل، مبتنی بر حاکمیت، برابری و استقلال سیاسی دولت‌هاست. این اصل تکلیفی حقوقی بر دولت‌ها برای خودداری از دخالت در امور داخلی یکدیگر تحمیل می‌کند.^(۱)

در این باره، قطعنامه‌های مجمع عمومی، که بیانگر عرف بین‌المللی در این مورد هستند، تأکید دارند هر کشوری موظف است از مداخله در امور داخلی یا خارجی کشورهای دیگر خودداری کند. همچنین در آرای متعدد صادرشده از سوی دیوان بین‌المللی دادگستری، به طور روشن و گویا، اصل عدم مداخله به عنوان یک اصل حقوق بین‌الملل عرفی تلقی و رعایت آن مسلم شمرده شده است. لذا هرچند جاسوسی در حقوق بین‌الملل منع شده است اما اقدام به جاسوسی ممکن است مشمول اصل منع مداخله در امور داخلی کشورها شود. در واقع با تفسیری موسع از مفهوم تجاوز و مداخله، می‌توان جاسوسی از شهروندان، امکانات ملی، صنایع نظامی، رهبران و… را به عنوان تجاوز به حوزه صلاحیت آن کشور محسوب کرد و از منظر حقوقی، آن را نامشروع خواند.



آیا اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها شامل آمریکا نمی‌شود؟

جاسوسی بشر دوستانه با رعایت حقوق بین‌الملل!

- یوسف شفیعی* ■

البته ممکن است کشور عامل در جاسوسی، همانند آنچه ایالات متحده ادعا می‌کند، با بهانه‌هایی نظیر اعاده دموکراسی، مبارزه با تروریسم و تأمین امنیت جهانی اقدامات خود را توجیه کند که در قبال این شکل از ادعا نیز می‌توان گفت هیچ موضوعی جز انجام تجاوز و شرایط دفاع مشروع و نیز رای شورای امنیت سازمان ملل متحد، نمی‌تواند موجد تجاوز، توسل به زور و مداخله در امور داخلی کشور هدف باشد. البته واقعیت آن است که حقوق بین‌الملل در برخورد با موضوع جاسوسی، از مشکلات متعدد رویه‌ای، ساختاری و نهادی در رنج است. اولاً جاسوسی هرچند مذموم است، عملاً به صورت رویه‌ای پنهان در روابط کشورها وجود دارد. ثانیاً چارچوب حقوقی خاصی برای بررسی و ارائه شکایت درباره جاسوسی وجود ندارد. بررسی این امر در دیوان‌های بین‌المللی به عنوان یک پرونده حقوقی، مستلزم رضایت طرفین دعوا جهت طرح در مجامع داورى است. از سوی دیگر، شکل‌گیری معاهدات جهانی در این زمینه، مستلزم حضور جدی سازمان ملل و بویژه قدرت‌های عضو شورای امنیت است که محتمل به نظر نمی‌رسد. بنابراین طرح موضوع پیشنهاده قطعنامه «جاسوسی نه» توسط کشورهای آلمان و برزیل به مجمع عمومی سازمان ملل متحد، بیانگر وجود خلأ قانونی در زمینه جاسوسی در حقوق بین‌الملل است.

■ **نتیجه**

مجموعه اصول حقوق بشری و نیز اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها از جمله قواعد بنیادین حقوق بین‌الملل است که نقضی جدی در تنظیم روابط میان کشورها بر عهده دارد. در این مقاله تلاش شد با تکیه بر این اصول، موضوع جاسوسی‌ها و شنود تلفنی گسترده ایالات متحده آمریکا از شهروندان و رهبران بسیاری از کشورهای جهان مورد بررسی قرار گیرد. از دیدگاه حقوق بین‌الملل و در این بحران جاسوسی، طیفی از نقض اصول و قواعد بنیادین چون عدم مداخله و نقض حقوق بشردوستانه به صورت اقدام فردی دولت آمریکا مطرح است و عمدتاً تحلیل‌های حقوقی بیانگر مغایرت اقدامات و عملکرد آمریکا با موازین حقوق بین‌الملل بوده و مسؤولیت این دولت به عنوان ناقض حقوق بشر قابل طرح است. در واقع اصول فوق، اصولی مطلق و بدون قید و شرط هستند که دولت آمریکا نمی‌تواند با هیچ ادله‌ای، از جمله جنگ علیه تروریسم، تهدیدات امنیتی و… از آنها سر باز زند. بدون شک هیچ کشوری مجاز نیست در جایگاه قضاوت قرار گرفته، درباره خطرات احتمالی‌ای که ممکن است در آینده برایش به وجود آید، متوسل به نقض گسترده حقوق بشر و آزادی‌های فردی و دخالت در امور داخلی کشورها شود. البته مقابله با این رویه دولت آمریکا و موضوع مشخص جاسوسی، مستلزم ایجاد رویه‌های حقوقی در قالب کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی است که از آزادی‌های فردی و حقوق بشر حراست کند.

پی‌نوشت

۱- مجید عباسی، دگرگونی مفهوم مداخله بشردوستانه در هزاره نو، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۸۲، ۱۳۸۹، ص ۲۳.
2- James Leslie Brirly, The Law Of Nations,6 Th Edition. OxFord University Press, 2007, p45.

۳- مراجعه کنید به: مهدی ذاکریان، فرایند یکپارچگی نسل‌های حقوق بشر، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۵۸، ۱۳۷۹.

■ **کارشناس مسائل بین‌الملل منبع: برهان**

حکام عرب، عامل تصمیم واشگتن درباره قدس اشغالی

معین المناع: مقامات ایالات متحده آمریکا اخیراً تصمیم واشگتنن برای عملیاتی کردن انتقال سفارت این کشور از تل‌آویو به قدس اشغالی در روز ۱۴ مه (۲۴ اردیبهشت‌ماه) مصادف با هفتادمین سالروز فاجعه اشغال اراضی فلسطینیان، خبر دادند. درحالی‌که چند ماهی است ایالات متحده آمریکا از تصمیم خود در این زمینه پرده برداشته است، اما در طول این مدت شاهد هیچگونه موضع قاطعانه و منطقی-چه از سوی تشکیلات خودگردان فلسطین و چه از سوی کشورهای جهان عرب-در برابر چنین تصمیمی نبوده‌ایم. ■ **واکنش شفاهی و بی‌اثر تشکیلات خودگردان**

واقعیت این است که تشکیلات خودگردان فلسطین از زمان اعلام تصمیم ایالات متحده آمریکا علیه قدس اشغالی، تنها به حرف و کلام و اتخاذ مواضع شفاهی اکتفا کرده است؛ مواضعی که تحت هیچ شرایطی منافع و مصالح ایالات متحده آمریکا در اراضی اشغالی را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. زمانی که مقامات آمریکایی مشاهده می‌کنند مواضع گروه‌هایی نظیر تشکیلات خودگردان نه منافع‌شان را به خطر می‌اندازد و نه امنیت ملی‌شان را با مخاطره مواجه می‌کند، بنابراین کاملاً طبیعی است که بر تصمیم خود مبنی بر لزوم انتقال سفارت واشگتنن از تل‌آویو به بیت‌المقدس پاسخشاری کرده و در نهایت تردد عملیاتی کردن آن فرایند دیپلماسی ایالات متحده آمریکا طی دهه‌های گذشته خوبی این واقعیت را نشان داده است که واشگتنن در برابر گام‌ها و اقدامات عملی ممکن است در مواضع خود تجدیدنظر کند اما هیچگاه در مقابل مواضع شفاهی چنین اقدامی نکرده و نخواهد کرد. درباره تصمیم کاخ سفید برای انتقال سفارت به بیت‌المقدس نیز همین مسأله صادق است و آمریکایی‌ها برای مواضعی که در حرف و کلام، محدود و محصور می‌شوند، هیچ ارزشی قائل نیستند.

■ **نا توانی از ایستادگی در برابر واشگتنن**
واقعیت امر این است که تشکیلات خودگردان فلسطین با توجه به وضعیتی که هم‌اکنون دارد، قادر به مخالفت با ایالات متحده آمریکا درباره انتقال سفارت واشگتنن به قدس اشغالی نیست. علت اصلی این مسأله نیز به چند عامل بازمی‌گردد. نخستین دلیل این است که تشکیلات خودگردان فلسطین با مشکلات و معضلات خود در بسیاری مواجه است و برای بقای خود در عرصه سیاسی فلسطین به حمایت‌های مالی ایالات متحده همچون گذشته شدت نیازمند است. دلیل دوم نیز آن است که تشکیلات خودگردان فلسطین به هیچ‌وجه همبیمانی خود با ایالات متحده آمریکا و شراکتش با سران کشورهای عربی را قربانی هیچ مسأله‌ای نخواهد کرد، حتی اگر این مسأله انتقال سفارت آمریکا به قدس باشد.

■ **تداوم مذاکره به مثابه اعطای مشروعیت**
به این نکته باید توجه داشت که در صورت انتقال سفارت ایالات متحده آمریکا به قدس اشغالی، هرگونه ازسرگیری مذاکرات سازش میان تشکیلات خودگردان فلسطین و رژیم اسرائیل به مثابه اعطای مشروعیت به همه اقدامات آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها علیه قدس است. چنین اقدام احتمالی از سوی تشکیلات خودگردان فلسطین، حاوی هیچ پیامی غیر از این نخواهد بود که «قدس پایتخت یکپارچه رژیم اشغالگر است». آمریکا نیز همین را می‌خواهد، چراکه از زمان روی کار آمدن دونالد ترامپ در ۱۴ ماه پیش، واشگتنن از «معامله قرن» در فلسطین سخن می‌گوید. بدون شک همانگونه که پیش‌تر اشاره شد، کشورهای عربی هیچ مخالفتی با آنچه آمریکایی‌ها از آن به عنوان معامله قرن یاد می‌کنند، نخواهند داشت. شاید برخی بندگان و رفاه مربوط به معامله قرن تغییر کنند و زمان اجرای آن نیز با تغییراتی مواجه شود اما آنچه مسلم است، این است که این پروژه به طور کلی مد نظر کاخ سفید بوده و خواهد بود. پروژه «معامله قرن» ایالات متحده آمریکا در حقیقت قطعه‌ای از پازل مربوط به «خاورمیانه جدید» محسوب می‌شود. واشگتنن برای عملیاتی کردن هدف خود و جامه عمل پوشاندن به رؤیای تشکیل خاورمیانه جدید، معامله قرن در فلسطین را مطرح می‌کند. خاورمیانه جدید از منظر آمریکایی‌ها به معنای روی آوردن همه کشورهای آن به عادی‌سازی روابط با رژیم اسرائیل است. خاورمیانه جدید برای آمریکا خاورمیانه‌ای است که در آن هیچ مانعی در برابر روابط حسنه و مستحکم میان کشورهای مختلف با تل‌آویو وجود نداشته باشد.

■ **تحلیلگر مسائل استراتژیک منبع: پایگاه عربی فلسطین آنلاین**
ترجمه: اکرم آزادی‌مهرگانی، فارس